

شورای حکومتي فاقد قدرت در عراق

نوشته: ظافر العاني

مترجم: احمد مزارعي

امروزه آشکار شده که آمریکاییها از ابتدا برنامه ای مدون برای حکومت خود در عراق نداشته اند، نه به این علت که آنان تجربیات يك کشور استعماري را ندارند، بلکه به این دلیل که درگیری بسیار گسترده آنان با تدارکات و نقل و انتقالات نظامي برای سرنگوني صدام، موجب شد که آنان از اندیشیدن و برنامه ریزی کردن جدي برای دوران بعد از صدام عقب بمانند.

در نتیجه و در شرایط تحمیل شده بر آنان مجبور به اتخاذ تصمیماتي شدند که نه فقط به برقراري آرامش و نظم کمک نکرد بلکه موجب بروز بحرانها و درهم ریختن اوضاع گردید.

منحل اعلام نمودن وزارتخانه های اطلاعات، دفاع، کشور، دستگاه های امنیتی، اخراج کادرهای حزب بعث از موسسات رسمی و تحت تعقیب قرار دادن آنان، موجب آن شد که بخشهای گسترده ای از مردم عراق خود را رودرروي نیروي اشغالگر خارجي ببینند، بدون آن که برای این کار دلیل منطقي وجود داشته باشد. اضافه بر اینها لابیگری و بی مسئولیتی که آمریکاییها در اداره امور زندگی مردم، امنیت عمومی و تامین نیازمندیهای مردم و محافظت از سازمانها و موسسات خدماتي کشور از خود نشان دادند نیز موجب اعتراضات عمومی مردم گردید.

دو عامل دیگر نیز تاثیر بزرگی در کشاندن مردم برای مبارزه با اشغالگران داشت. نخست حجم توقعات مردم پس از سقوط صدام از اوضاع و این که نه فقط خواسته های مردم برآورده نشد بلکه اوضاع زندگی و معیشتي مردم بدتر شد، دوم این که مخالفان رژیم صدام تصویر نادرستی از وضعیت مردم عراق به آمریکاییها داده بودند مبنی بر این که آنان یعنی آمریکاییها مورد استقبال و خوش آمدگویی مردم قرار خواهند گرفت، بدون آن که روی مسئله اقتصادي و اجتماعي مردم تأکیدی کرده باشند. آری اینان چیزهایی بودند که موجب مخالفت آشکار نیروهای ملي و مذهبي علیه آمریکاییان گردید، نیروهایی که برای مبارزه با اشغالگران سرزمین خود هیچ تردیدی به خود راه نمیدهند.

در چنین شرایطي هر چه زمان میگذرد قدرت مقاومت توده ای و سازماندهي آنان علیه سربازان آمریکایی بیشتر میشود، اضافه بر آن مبلغ عظیمي معادل چهار میلیارد دلار هم ماهانه هزینه استقرار نیروهای آمریکایی در عراق میشود، اما آن چیزی که به مثابه ریختن باروت در آتش است این که اینان هیچگونه احترامی برای مردم و فرهنگ عراقیها قائل نمیشوند و کاملاً به شکل اهانت آمیز با آنان برخورد مینمایند.

این را باید گفت که این مقاومتها حالت فردي و تصادفي ندارد بلکه عکس العملي توده ای علیه اعمال زشت آمریکاییان اشغالگراست.

کابوس دیگری که بر آمریکاییها ظاهر شد این که آنان متوجه شدند شخصیتی همچون «کرزای» افغانستان در عراق ندارند. شخصیتی که بتواند در میان مردم اعتباری داشته باشد. آنان به وضوح دیدند که وجودشان در عراق مایه خشم مردم است به طوری که اکنون نمیتوانند به آسانی از قتل سربازان خود جلو گیرند.

در چنین شرایطي انتقادات مردم علیه آمریکا گسترش یافت. آنان خواستار آن بودند که آمریکاییها به وعده خود وفا کرده و حکومت را به آنان واگذارد و یا این که به طور جدي مقدمات آن را فراهم نماید. عجیب

نمینمود این که نیروهای سیاسی وابسته به آمریکا دچار شوک شدند زیرا آمریکا با گذراندن مصوبه ای در سازمان ملل به مستعمره بودن کشور عراق رسمیت بخشید، مصوبه ۱۴۸۲ در روز ۲۲ مارچ^(۱).

اکنون نیروهای سیاسی وابسته به آمریکا دیگر قادر نیستند در برابر مردم ظاهر شده و این گونه ادعا کنند که گویا نیروهای ارتش آمریکا برای «نجات» و برقراری «دموکراسی» آمده اند. حتی در مصوبه سازمان ملل اشاره ای ضمنی هم به شرکت مردم عراق نشده است. این شرایط موجب به هیجان آمدن مردم در برابر استعمار و وطنشان و مبارزه بسیاری نیروهای دیگر برای وارد شدن به معادلات سیاسی کشور گردید.

در برابر گسترش مبارزه مردم برای پایان دادن به شرایط اشغال و انتقادات جهانی علیه آمریکا، بریمر نماینده آمریکا در عراق برای این که پاسخی داشته باشد، ابتدا از تشکیل مجلس مشورتی با شرکت دوازده نفر صحبت به میان آورد، اما تشکیل چنین مجلسی به هیچ عنوان پاسخگویی مشکلات جامعه نبود به طوری که اعتراض همان نیروهای سیاسی وابسته به آمریکا را نیز سبب گردید.

پس از رشد اعتراضات و مقاومت توده ای، بریمر پذیرفت که مجلس دیگری به عنوان «مجلس انتقالی» با شرکت تعداد بیشتری (۲۵ نفر) تشکیل دهد. در این مجلس افرادی از گروه های اجتماعی و سیاسی مختلف و با موافقت بریمر انتخاب شدند که اکنون مشغول به کار است.

آنچه که از همه خطرناکتر است این که این مجلس براساس اعتبارات مذهبی، طائفه ای و قومی انتخاب شده است. چیزی که هم از نظر شیوه تفکر حاکم بر آن و هم به لحاظ نوع انتخاب موجب انزجار مردم عراق است. ترکیب مجلس اینچنین است: شیعیان ۱۳ نماینده، سنیان ۵ نماینده، کردها ۵ نماینده، مسیحیان و ترکمانان هم یک نفر.

این خود خلل بزرگی است، زیرا چنین انتخابی در اساس خود موجب اختلاف خواهد شد بویژه در کشوری که اختلافات مذهبی و قومی ریشه ای طولانی دارد.

از نظر من در پشت این نحوه انتخاب منظوری سیاسی نهفته است. آمریکاییان با این شیوه انتخاب، به حساب خود خواسته اند سنی مذهبیان را تنبیه نمایند و به شیعیان امتیاز دهند.

اکنون مقاومت در مناطق سنی نشین و به قولی در مثلث سنی مذهبیان جریان دارد. و در حقیقت این رشوه ای است که آمریکاییان به حساب وحدت ملی عراق به شیعیان اعطا نموده اند. اما ایرادات منطقی که به این مجلس وارد است از این فرارند:

۱- مجلس انتصابی است و نمایندگان صلاحیت ملی ندارند.

۲- صلاحیت مجلس و اعضای بسیار محدود و شامل تصمیم گیریهای سیاسی و استقلال طلبانه نمیشود.

۳- بریمر مجاز است هر چه را به صلاح آمریکا نداند "وتو" کند.

۴- اعضای مجلس نمایندگان طوایف نامبرده نیستند.^(۲)

۵- از همه مهمتر اینکه این مجلس فاقد نمایندگی حقیقی نیروهای سیاسی و اجتماعی جامعه عراق است. پس از تشکیل این مجلس بسیاری احزاب و سازمانهای ملی در عراق با برگزاری جلسات و سخنرانی متعدد خواستار مشارکت در سرنوشت کشور خود شدند و مخالفت قاطع خود را با مجلس این چنین وابسته به بیگانه ابراز داشتند.

اما آنچه که جالب توجه است اینکه نمایندگان و سخنگویان واقعی دو طایفه سنی و شیعه در مناسبتهای مختلف مخالفت خود را با این مجلس اعلام داشته اند. کمیته علمای اهل تسنن در عراق مجلس را به مثابه "فرزندی مسخ به دنیا آمده" اعلام داشت و مقتدا صدر نیز هرگونه همکاری با این مجلس را شرعا حرام دانست.

تعجب آور اینکه این مجلس در مراحل اولیه خود نتوانست رضایت مردم را جلب کند زیرا روز نهم اپریل را که روز اشغال کشور به دست آمریکا است، "عید ملی" اعلام داشت. چیزی که موجب اظهار بدبینی و نفرت در تمام نیروهای ملی و مذهبی گردید.

اما نیروهای مقاومت ملی عراق در بیانات خود اعلام داشتند که اعضا این مجلس را به مثابه مزدوران بیگانه محسوب میکنند. با این حساب اگر آمریکا هدفش از تشکیل این مجلس جلب رضایت مردم است، درست نتیجه ای برعکس به بار آورد.

اکنون مجلسی که در داخل و از طرف ملت مشروعیت ندارد، با مسافرت به خارج به دنبال کسب مشروعیت خارجی است.

سه نفر از نمایندگان این مجلس برای شرکت در جلسات سازمان ملل به نیویورک رفتند تا به عنوان نمایندگان عراق بر کرسیهای سازمان ملل بنشینند. اما به آنان گفته شد که آنان به عنوان افراد مستقل عراقی میتوانند در این جلسات حضور یابند و نه به عنوان نمایندگان کشور عراق.

هم اکنون مجلس درصدد تشکیل لایحه داخلی و انتخاب وزیران است. این مجلس باید وزیرانی را از میان افرادی که بریمر مشخص نموده "انتخاب" نماید که خود این شیوهی انتخاب بسیار سؤال برانگیز و شک برانگیز است. این وضعیت نشان دهنده آن است که بریمر تا چه اندازه در امور این مجلس دخیل است، و وزرای انتخابی نه براساس تخصصشان بلکه براساس وابستگی مذهبی و ملیتیشان برگزیده خواهند شد.

همچنین مجلس اعلام نمود کمیته ای برای تدوین قانون اساسی عراق تشکیل گردیده که پس از پایان کارشان، آن را به آرا عمومی مردم عراق خواهند گذاشت، اما آنطور که گفته میشود، این قانون اساسی براساس حفظ مصالح آمریکا در عراق تدوین خواهد شد.^(۳)

پایان سخن اینکه، آمریکا با این کار خود خواست تا مردم عراق را قانع کند که خود باید سرنوشت خود را در دست گیرند. اما آنچه که مردم عراق میخواهند و سالیان دراز برایش کوشش کرده و شور و شوق نشان داده اند چنین چیزی نیست؛ این مجلسی است فاقد قدرت.^(۴)

سوم سپتامبر

پانویس ها:

۱- يك روز پس از به رسمیت شناختن استعمار عراق در سازمان ملل، احمد چلبی طی مصاحبه ای با سایت الجزیره اعلام داشت که: "ما چنین انتظاری نداشتیم و آمریکاییها به ما خیانت کردند."

۲- برای مثال دو نفر از اعضای حزب کمونیست عراق که در مجلس شرکت دارند چون اسما شیعه هستند لذا جزء نمایندگان شیعه محسوب میگردند و این توافقی است که بین حکیم و بریمر انجام گرفته بوده است.

۳- بنابه نوشته ادوارد سعید دولت آمریکا يك قانون دان یهودی الاصل آمریکایی را به نام جانانان استخدام نموده تا يك "قانون اساسی" برای کشور عراق بنویسد. گویا این قانون دان آمریکایی از تاریخ و خصوصیات اعراب آگاهی دارد.

۴- فاقد قدرت بودن مجلس، وزرا و سایر نمایندگان شورای حکومتی به واقع اظهارمن الشمس است. هم اکنون آمریکا، انگلیس و اسرائیل به طور گسترده ای برنامه های اقتصادی و سیاسی خود را در عراق پیش میبرند، برای مثال هنگام مسافرت شارون به آمریکا قراردادهایی به ارزش دهها میلیارد بین دولت آمریکا و شرکتهای "اشترن" و "اسرائیل" - آفریقا" ی اسرائیل به امضا رسیده که قرار است جاده سازیهای عراق را شروع کنند.

مجلس و فعل و انفعالاتشان در حد ارتباطات فرهنگی و خدماتی با کشورهای منطقه و جهان خواهد بود، و هیچ اختیار جدی در زمینه مسائل سیاسی و اقتصادی نخواهد داشت. یکی از نمایندگان زن مجلس و البته تنها نماینده زن، در

مصاحبه ای با الجزیره اظهار داشت که شرکت من در جلسات بسیار غریبانه است و نمایندگان مرد میکوشند به صورت من نگاه نکنند.